

کتاب «سفر به جنوب ایران» مأخذی مستند در عصر قاجار

حسین مسرت^۱

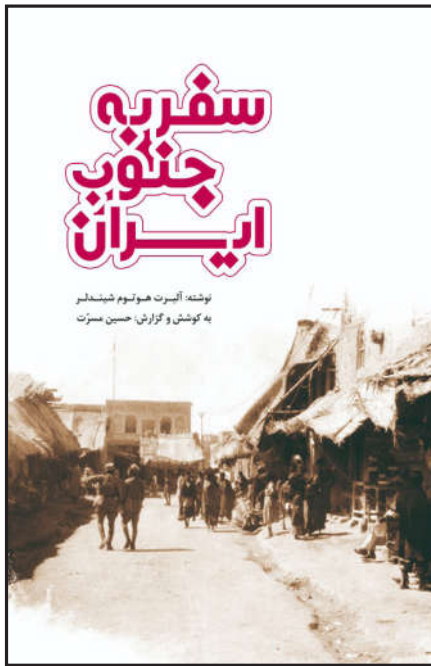
چکیده

معرفی کتاب سفر به جنوب ایران که سفرنامه آلبرت هوترم شیندلر (۱۸۴۶ - ۱۹۱۴ م.) به جنوب ایران است، در این مقاله آمده است. اصل این کتاب که در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۹۶ ق. به زبان آلمانی منتشر شده، یادداشتهای شیندلر از مشاهدات او در شهرهای ایران است. او از طرف ناصرالدین شاه قاجار، مأمور کشیدن سیمهای تلگراف از تهران تا بوشهر بوده و در خلال این کتاب، نامهای شخصیتها، ایل و طایفه‌ها، روستاها و شهرها و مکانهای تاریخی را به دقت ثبت و ضبط کرده است. نگارنده ترجمه فارسی کتاب را از جهت نسخه شناسی و کتاب شناسی معرفی می‌کند.

کلید واژه‌ها

سفر به جنوب ایران (کتاب)؛ شیندلر، آلبرت؛ سفرنامه‌های ایران - قرن سیزدهم؛ تاریخ و جغرافیای ایران - دوره قاجار.

۱. یزد پژوه و پژوهشگر در حوزه مخطوطات اسلامی.



سفر به جنوب ایران: آلبرت هوتوم شیندلر، ترجمه و تلخیص: ناشناس، به کوشش و گزارش: حسین مسرت، تهران: یزدا و مرکز کرمان شناسی، ۱۳۹۹، وزیری، ۲۰۶ ص، مصور.

پیشینه نگارش سفرنامه‌های فارسی همچون پیشینه تاریخ پرفراز و نشیب ایران و جهان، درازدامن است، چون این سفرنامه‌ها در حکم یادداشت‌های خصوصی بوده که کسی همت به تکثیر و رونویسی از آن نمی‌کرده است، از این روست که با نابودی نسخه اصلی، بسیاری از آگاهی‌های خوب تاریخی و اجتماعی نیز از میان می‌رفته است و به همین دلیل

است که تعداد سفرنامه‌های به‌جامانده از دوران گذشته، بسیار است، اما خوشبختانه با پیدایی صنعت چاپ، این‌گونه کتاب‌ها هم به چاپ سپرده شدند. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران که سفرنامه‌های فراوانی از آن برجای مانده، دوره قاجار است که هنوز بسیاری از سفرنامه‌های دست‌نویس آن در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد و عزمی می‌طلبد که آن‌ها را با دید انتقادی تصحیح کنند.

سفرنامه‌ها به غیر از آنکه یکی از انواع ادبی فارسی به شمار می‌روند، در بردارنده آگاهی‌های سودمند و یگانه‌ای درباره شهرها و روستاها هستند که جز در این نوع کتاب‌ها، جای دیگری نمی‌توان سراغی از آن‌ها جست. چه بسیارند سفرنامه‌هایی که تنها اثر باقی‌مانده درباره یک مکان هستند؛ شهرهایی که در طول تاریخ زیروزبرگشته و اسیر تندباد حوادث گشته‌اند.

در ارزش و اهمیت سفرنامه‌ها همین بس که به عنوان معتبرترین سندهای اجتماعی و تاریخی مورد استفاده کلیه پژوهندگان تاریخ اجتماعی، سیاسی و جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرد. با اینکه قرن‌ها از نگارش سفرنامه ناصر خسرو می‌گذرد، هنوز از این کتاب به عنوان معتبرترین سند اجتماعی قرن پنجم که بازگوینده دقایق زندگی مردم آن زمان است، یاد می‌شود.



نویسنده سفرنامه در نوشتن سفرنامه هیچ دل‌بستگی نسبت به آنچه در مسیر می‌بیند، ندارد؛ چونان چشمی دقیق همه چیز را ژرف می‌نگرد و در اندیشه اینک کسی را خوش بیاید یا بد بیاید هم نیست، او در نگارش یادداشت‌هایش صادق است، نکته‌هایی را بیان می‌کند که کمتر در کتاب‌های تاریخ همان دوران آمده است.

سفرنامه نویس، از اوضاع پیرامون خود تصویر دقیقی به دست می‌دهد: شیوه پوشش، بهای ارزاق، جمعیت، آداب و رسوم، خصائل روحی و اخلاقی و غیره. حال اگر نویسنده دارای دانش‌های روز مانند: جغرافیا، زمین‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره باشد، محصول کار به نهایت سودمند است.

سفرنامه نویسان که عمدتاً انسان‌های آگاه، دنیادیده و بعضاً کارشناس هستند، با نگرشی ژرف و ریزین به بیان اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها و شهرهایی که از آن دیدار کرده‌اند، می‌پردازند و در این راه، مأخذی سودمند برای نگارش تاریخ آن جایگاه بر جای می‌نهند. یکی از این سفرنامه‌ها، سفرنامه فردی فرنگی است که به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ ق، مأمور کشیدن سیم تلگراف از تهران تا بوشهر بوده است و بنا به گفته ایران‌شناس نامی، ایرج افشار: «قسمت عمده این رساله به وصف شهرها و مردم اختصاص دارد که بسیار جالب توجه است» (افشار، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۳۷).

نویسنده این سفرنامه فردی جامعه‌شناس، جغرافی‌دان، زمین‌شناس، سیاستمدار و نظامی بوده است؛ از این رو در این کتاب آگاهی‌های درخور توجهی را از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و جغرافیایی مسیر خود می‌دهد. در نسخه‌های خطی موجود، نام نویسنده نیامده است؛ اما نگارنده پس از بررسی کلیه سفرنامه‌های خارجی بر پایه قراین در دست و تاریخ‌های مندرج در آن و سفرنامه آلمانی چاپ شده با نام سفر به جنوب ایران، ۱۸۷۹ در شهر برلین به سال ۱۸۸۱ م، که بدان اشاره خواهد شد، بدین نکته دست یافت که نویسنده آن آلبرت هوتوم شیندلر (۱۸۴۶-۱۹۱۴ م)، ایران‌شناس برجسته انگلیسی و همان نویسنده سفرنامه خراسان است و این سفرنامه توسط شخصی دیگر به فارسی تقریباً روان ترجمه شده است.

ترجمه این سفرنامه، که با نام اصلی سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹ به زبان آلمانی چاپ

میراث

کتاب «سفر به جنوب ایران»
مأخذی مستند در عصر قاجار





شده است؛ در ایران با دو نام گوناگون، در کتابخانه‌های ملی ملک (ش ۶۲۸۷) و مجلس شورای اسلامی (ش ۷۰۰) وجود دارد که در آنها اشاره شده کتاب متعلق به یکی از افسران انگلیسی اتریشی تبار مأمور کشیدن خط تلگراف بین تهران تا بوشهر و بحرین است. در گفتار، زندگی و آثار شیندلر که نگارنده پیش‌تر در ماهنامه دریاچه درج کرده است، به نقل از ادوارد براون و جرج کرزن از دقت نظر و اطلاعات وسیع او در زمینه تاریخ ایران آشنا می‌شویم. نگاهی به کتاب‌ها و گفتارهای برجای مانده از شیندلر، نشانه‌ای از آگاهی کافی او از اوضاع سراسر ایران است، که به واسطه اقامت طولانی مدت در ایران حاصل شده است، به ویژه آنکه او به خوبی به زبان فارسی سخن می‌گفت و در مسیرهایی که در گوشه و کنار ایران داشت، به خوبی با همراهان و رهگذران و ساکنان ارتباط برقرار می‌کرد و از سویی می‌دانیم که او حتی درباره گویش‌های گوناگون ایران نیز تحقیق کرده و مطالبی نگاشته است. همین امر بر میزان دقت او افزوده است. از این رو کتاب سفر به جنوب ایران نوشته شیندلر که یکی از آگاهان تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار است، از کتاب‌های مهم آن دوره به شمار می‌رود.

خواننده از خلال کتاب سفر به جنوب ایران، نه تنها با روستاها و جمعیت آن آشنا می‌شود، بلکه اطلاعات خوبی از شیوه معیشت، محصولات سرزمین، نوع روابط ارباب و رعیت و حتی میزان مالیات آن روستا یا شهر در سالیان گذشته و حال را به دست می‌آورد. شیندلر، زمین‌شناس و خاک‌شناسی دقیق است و حتی گیاه‌شناس. فرهنگی از نام‌های گیاهی را می‌توان از این کتاب استخراج کرد و نیز روستاها و شهرهای معدن خیز کشور را شناخت و نوع آب و هوا و شیوه سکونت و دیگر موارد ملک‌داری و زندگی هر سامان را به دست آورد. شیندلر نه تنها جامعه‌شناسی خیره است و به خوبی تصویری از اوضاع اجتماعی و مردم‌شناسی هر سامان می‌دهد، بلکه سیاستمدار و نظامی کارکشته‌ای هم است و چنان به گزارش راه‌ها، تنگه‌ها و گذرگاه‌ها می‌پردازد که انگار مأموریت داشته وضع راه‌ها را برای افسران بالادستی خود گزارش کند. نکته بارز کار شیندلر در هر مبحث، به ویژه مباحث اجتماعی این است که از جاده انصاف خارج نشده و داوری‌های او درباره حقوق راهدارها و تفنگچی‌ها و غیره، عادلانه است.

ایرج افشار در سه جا اشاره به ویژگی این سفرنامه دارد؛ نخست در جهان نومی نویسد: «این سفرنامه حاوی مطالب شیرین و خواندنی است که بعضی از آن‌ها جنبه تاریخی دارد ... و متضمن بعضی نکات اجتماعی و وضع شهرهاست». (افشار، ۱۳۳۷: ۲۹۷) و سپس در سواد و بیاض می‌نویسد: «قسمت عمده این رساله به وصف شهرها و مردم اختصاص دارد که بسیار جالب توجه است». (افشار، ۱۳۴۴: ۲۳۷) و بار دیگر در کتاب یادگارهای یزد که چنین آورده است: «مطالبی که در این سیاحت نامه راجع به یزد و آبادی‌های آن آمده، مفید است» (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۷۲)

سعید خودداری درباره این سفرنامه می‌نویسد: «مؤلف علاوه بر ویژگی‌های راه و طبیعت آن و جمعیت و مالیات‌ها، معادن و کوه‌ها و تولیدات و محصولات و اوضاع اقتصادی به خصوص شهرهای بزرگ را پرس‌وجو کرده است. تاریخ آثار و کتیبه‌ها را به همان شکل هجری آورده و برای آثار تاریخی از منابع تاریخی فارسی و شاید عربی استفاده کرده است. یکی از نکته‌های دیگر این متن، سعی در تبیین یا ایجاد معانی برای اسامی شهرهاست که بر پایه شنیده‌ها به تخیل خود پرداخته است». (شیندلر، ۱۳۹۱: ۷۷)

روشنی زعفرانلو در دیباچه سه سفرنامه درباره سفرنامه خراسان اثر شیندلر می‌نویسد: «سفرنامه خراسان، حاصل مشاهدات و نظرات یکی از افراد دقیق اروپایی است که برای کشیدن سیم تلگراف بین تهران و مشهد مأموریت داشته و به حال ایران خوب آشنا بوده و با دقت در جزئیات. تا آنجا که مجال مطالعه و دیدن برای او بوده. وضع اجتماعی آبادی‌های بین تهران و مشهد را دقیقاً مطالعه و یادداشت کرده است. با این رساله می‌توان تمام آبادی‌های سرراه تهران. مشهد را شناخت و آثار و خصوصیات آن‌ها را دانست، زیرا مؤلف در معرفی امامزاده‌ها، مسجدها، حمام‌ها، دروازه‌ها، کاروانسراها و امثال این‌ها سعی و التزام بخصوص داشته است، بعلاوه دقت داشته است که عمارات را کی ساخته و کی تعمیر کرده است. در هر جا که مناسبت داشته از وضع اجتماعی و چگونگی زندگی و گذران مردم، مختصری نوشته و تعدیات حکام و گرفتن پول گزاف زیاده از اندازه را شرح داده است، طرز تملک، تیول‌داری و آثار مترتب بر آن، زندگی شبانی و چادرنشینی، سلطه فتودالیزم و فقر مردم از موضوعاتی است که همه جا مورد نظر او بوده است ... به هر حال

میراث شهید

کتاب «سفر به جنوب ایران»
مآخذی مستند در عصر قاجار



مطالبی که شیندلر، نود و پنج سال پیش نوشته است، اکنون هم قابل تحقیق است و اگر امروز هم از همه آبادی‌های ایران چنین اطلاعاتی در دست بود، شناسایی ما نسبت به وطن عزیزمان خیلی بیشتر بود». (روشنی زعفرانلو، ۱۳۵۶: ۱۶ و ۱۸)

همه این گفته‌های روشنی درباره کتاب سفر به جنوب ایران نیز صادق است. نگارنده فهرستی از نام‌های انسانی، جغرافیایی و نام بناها و مکان‌های این کتاب را استخراج کرده است که در پایان کتاب سفر به جنوب ایران آمده است. برپایه این فهرست، شیندلر در این کتاب ۷۰ صفحه‌ای نام ۱۲۲ تن از بزرگان و افراد سیاسی و اجتماعی و سرشناسان هر دیار را آورده است، نام ۴۲ گروه، ایل و طایفه مانند: افشار، بهارلو، زرتشتی و غیره را درج کرده است. ۲۰ محصول طبیعی، معدنی و دستی ولایات را نام می‌برد. اشاره به نام حدود ۵۰۰ روستا، آبادی و شهر دارد، به شرح و گزارش حدود ۴۴۰ بنا و مکان تاریخی، جغرافیایی، باستانی و معمولی ایران پرداخته است و تقریباً درباره هر کدام اطلاعات خوبی داده است.

اهمیت متن سفرنامه جنوب

۱. ذکر کاروانسراهای شاه عباسی و دیگر کاروانسراهای مسیر.
۲. بیان جمعیت شهرها و روستاها و بافت جمعیتی روستاها و ایل‌ها.
۳. ذکر تولیدات شهرها و روستا مانند: عبا بافی قهپایه و شال بافی کرمان.
۴. بیان آمار اقلیت‌های دینی.
۵. اشاره به شکوهمندی ساخت ساعت شهر کرمان.
۶. ذکر دولاب (گاوچاه) جدید در کرمان.
۷. بیان میزان صادرات و واردات.
۸. گزارشی از وجود گونه نادری از خرس سیاه در اطراف بندر عباس.
۹. ذکر حوادث طبیعی مانند: سیل، قحطی، زلزله و ...
۱۰. اشاره با باورها و اعتقادات مردمان آبادی‌های مسیر.
۱۱. اشاره به ملاقات با بزرگان و صاحب نامان ایران از جمله حاج سیاح ایران‌گرد معروف.
۱۲. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب، کاربرد واژه و اصطلاحات محلی و خاص در کتاب



است که واژه‌های زیادی را در بر می‌گیرد و به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

آدور (گیاه خارشتر)، ایشنون (گیاه اشنان)، آلتنگ (چمن‌زار)، انگور توره (عنب الثعلب)، باغ اربابی، بوندرا (آبادی آخر)، پیر (زیارتگاه)، پیش (یک نوع علف)، تحصیل کردن (دچار شدن)، تاجرخانه (تجارت‌خانه)، ترتور (نوعی سنگ)، تَرده (موریانه)، جمبلو (یک نوع درخت)، جهاز دودی (کشتی دودی) چراغو (پوست گون)، چلا (گون)، حصیرتکه (نوعی کفش)، حنای دست‌کرک (نوعی حنا)، حنای خرمی (نوعی حنا)، حوز (نوعی گیاه) خاک بوره (برای زرگری)، روپاس (نوعی گیاه)، زیل (نوعی درخت)، سواس (کفشی از حصیر)، شاه جاده (جاده اصلی)، شهریتی (شهرتی)، طناب انداختن (دار زدن)، کپر (خانه از نخل)، کتک (نوعی خانه)، کشتی دودی (کشتی بخار)، کک (نوعی مار)، معجر (نوعی ابزار)، نارنج قلعه (نارین قلعه، نوعی قلعه)، نخل شیطان (نوعی گیاه) وزه (نوعی سنگ).

مستندات و درباره نویسنده سفرنامه

بنا بر پژوهش نگارنده و فراهم شدن گواهی‌های چند از جمله همانندی نگارش این کتاب با سفرنامه خراسان نوشته سرآلبرت هوتوم شیندلر و اینکه سید ابوالقاسم فاضلی در مقاله خود از سفر شیندلر به یزد نام می‌برد (فاضلی، ۱۳۵۳: ۶) و اتفاقاً تاریخ این سفر با تاریخ مندرج در نسخه‌های مورداستفاده هم یکی است، یعنی ۱۸۷۹ م؛ و جای دیگر چنین اشاره‌ای نشده است، چنانکه برمی‌آید، نسخه‌ای از سفرنامه تلگرافچی، نزد فاضلی بوده است و نیز اشاره آقای جهانگیر اوشیدری در کتاب دانشنامه‌ی مزدیسنا که به نقل از منبعی ناگفته درباره جمعیت زردشتیان یزد به نقل از نوشته شیندلر در سال ۱۸۷۹ م استناد کرده و می‌نویسد: «در ۱۲۵۸ خورشیدی [یعنی همان ۱۸۷۹ م، تاریخ سفرنامه] بنا به نوشته جنرال هوتوم شیندلر، شهر یزد ۱۲۴۲ نفرو دهات اطراف و بخش‌ها ۵۲۴۱ نفرو جمع کل ۶۴۸۳ نفر است.» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۵۰۹-۵۰۸) لرد کرزن هم در کتاب ایران و قضیه ایران اشاره به همین آمار به نقل از شیندلر دارد. (کرزن، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۹۴) ولی او و اوشیدری از مآخذ خود نام نبرده‌اند و یقیناً از مقاله شیندلر با عنوان «پارسیان در ایران و زبان آن» که در سال ۱۸۸۱ به زبان آلمانی منتشر شده، استفاده شده

میراث

کتاب «سفر به جنوب ایران»
مآخذی مستند در عصر قاجار





است. ادوارد براون دربارهٔ این مقاله می‌نویسد: «بهترین نوشته در مورد زرتشتیان ایران بوده است». (براون، ۱۳۷۷: ۵۸۵۵)

و نیز مقالهٔ آقای سپهری اردکانی که او هم به نقل از شیندلر اشاره به جمعیت اردکان در همان سال دارد: «هوتم شیندلر، یکی دیگر از جامعه‌شناسان می‌گوید که در سال ۱۸۷۹ تعداد جمعیت این شهر بین ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ نفر نوسان می‌کند.» (سپهری اردکانی، ۱۳۷۲: ۱۱) که بنا به گفتهٔ آقای سپهری، مأخذ مطلب دربارهٔ جمعیت اردکان، کتاب دایرةالمعارف اسلام، جلد یک بوده است که آقای حسن مهدی‌زاده اردکانی آن را ترجمه کرده است؛ و این عبارت نیز سند و گواه دیگری است بر این نکته که سفرنامه از آن شیندلر است.

از این رو می‌توان سفرنامه را از او دانست. در بسیاری از کتاب‌ها، به ویژه تحقیق جامع حسین محبوبی اردکانی: تاریخ مؤسسات تمدنی ایران تصریح شده که شیندلر جزء نخستین کسانی بود که در ایران، تلگراف کشید. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۱۱ و ۲۲۹)

احمد منزوی دربارهٔ آن چنین آورده است: «از ناشناس، کسی در زمان فرمانروایی ظل السلطان در اصفهان، از تهران به یزد رفته و روز به روز آنچه میان راه دیده و منزل‌ها که بریده است و فاصلهٔ میان آن‌ها را یاد کرده و از روستاها و شهرهای میان آن دو نام برده و از وضع اجتماعی آنجاها وصف کرده است. نستعلیقِ پایان سدهٔ ۱۳ و رؤیت شده است.» (منزوی، ۱۳۵۴، ج ۶: ۴۰۳۸)

ایرج افشار در این باره چنین می‌نویسد: «ترجمهٔ سفرنامه‌ای است که در سال ۱۸۷۹ میلادی [برابر ۱۲۹۶ ق و ۱۲۵۸ ش] توسط یک فرنگی انگلیسی که مأمور خط تلگراف و سیم‌کشی بوده است، به قلم درآمده و حدود همان اوقات هم به فارسی نقل و به صورت خوبی ترجمه شده است.» (افشار، ۱۳۵۲: ۱۸۳)

همو در سواد و بیاض چنین آورد:

«در سال ۱۸۷۷ مسیحی [برابر ۱۲۹۴ ق] هیئتی برای تهیه مقدمات و عمل سیم‌کشی تلگراف بین اصفهان و یزد و کرمان، به دستور ناصرالدین شاه از طهران به آن صفحات حرکت کرد و پس از یازده ماه به طهران مراجعت نمود. ریاست هیئت در عهدهٔ یک نفر انگلیسی بود. اکنون رساله‌ای خطی از شرح عملیات آن هیئت در دست است که به

شماره ۷۰۰ در کتابخانه مجلس [شورای اسلامی] ضبط می‌باشد. متأسفانه نام محرر رساله و اعضای هیئت معلوم نیست. از لحن و طرز نگارش آن برمی‌آید که شخص انگلیسی مطالب خود را بیان کرده و منشی ایرانی به قلم آورده است. تاریخ نگارش آن ۱۸۷۹ است... قسمت عمده این رساله به وصف شهرها و مردم اختصاص دارد که بسیار جالب توجه است.» (افشار، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۳۷)

نخستین بار یوسف اعتصامی در فهرست کتابخانه مجلس آن را معرفی کرد، سپس ایرج افشار در مجله جهان نوآن را شناساند (افشار، ۲۹۷: ۱۳۲۷-۲۹۹)، آنگاه در سواد و بیاض ذیل عنوان: «یزدی‌ها تلگراف نمی‌خواهند»، بخشی از آن را درج و به معرفی اش پرداخت. (افشار، ۱۳۴۴: ۲۳۹-۲۳۷) بعدها در کتاب یادگارهای یزد، بخش یزد آن را چاپ کرد (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۷۲-۶۷۰) و سپس در فرهنگ ایران زمین متن کامل آن را با همیاری عباس سایبانی به چاپ رساند. (شیندلر، ۱۳۵۲: ۲۶۰-۱۸۳) سپس توسط علی سپهری اردکانی بخش اردکان و میبد، این سفرنامه با اشتباهات چاپی فراوان در کتاب تاریخ اردکان درج شد. (سپهری اردکانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۴-۷۲) و آخرین بار توسط نگارنده بخش یزد آن در کتاب یزد، یادگار تاریخ درج شد. (مسرت، ۱۳۹۵: ۳۶-۲۸)

مصطفی درایتی در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) آن را ذیل نام‌های: سفرنامه یزد (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۱۵۱) سفرنامه قم و کاشان و یزد و کرمان و خلیج فارس (همان: ۱۴۳) و سیاحت نامه تلگرافچی فرنگی (همان: ۲۶۵) آورده است.

منابع

الف) کتاب:

اعتصامی، یوسف (۱۳۱۱)، فهرست نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس شورای ملی، ص ۴۴۴.



افشار، ایرج (۱۳۴۴)، سواد و بیاض، جلد اول، چاپ اول، تهران: دهخدا، صص ۲۳۷-۲۳۹.

افشار، ایرج و دیگران (۱۳۶۱)، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملک، جلد سوم، چاپ اول، تهران: کتابخانه ملی ملک، صص ۴۶۷-۴۶۸.

افشار، ایرج (۱۳۷۴)، یادگارهای یزد، جلد اول، چاپ دوم، یزد: خانه کتاب یزد و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۶۷۰-۶۷۲.

درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، جلد ششم، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۶، صص ۱۵۱ و ۱۴۳ و ۲۶۵.

سپهری اردکانی، علی (۱۳۶۴)، تاریخ اردکان، جلد اول، چاپ دوم، اردکان: اداره کل ارشاد اسلامی یزد و کانون کتاب ولی عصر اردکان، صص ۷۲-۷۴.

منزوی، احمد (۱۳۵۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ششم، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ص ۴۰۳۸.

ب) مقاله

افشار، ایرج: «سفرنامه تلگرافچی»، فرهنگ ایران زمین، جلد نوزدهم، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۱۸۳.

-----: «سفرنامه تلگرافچی»، جهان نو، سال ۳، شماره ۱۲، ۱۳۳۷، صص ۲۹۹-۲۹۷.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۹): «مرثیه مُرسیه (تلگراف در ایران)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، جلد بیستم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، صص ۳۸۵-۳۸۲.

[شیندلر، آلبرت هوتوم]: «سفرنامه بحرین یا گزارش مأموریت کشیدن سیم تلگراف»، به کوشش سعید خودداری نائینی، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۱، صص ۷۶-۱۱۷.

[شیندلر، آلبرت هوتوم]: «سفرنامه تلگرافچی» به کوشش عباس سایبانی، فرهنگ ایران زمین، جلد نوزدهم، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۱۸۳-۲۶۰.

[شیندلر، آلبرت هوتوم]: «سفرنامه یزد»، به کوشش حسین مسرت، یزد یادگار تاریخ، [ویرایش دوم]، ۱۳۹۵، تهران: دف، صص ۳۶-۲۸.

مسرت، حسین: «زندگی و آثار آلبرت هوتوم شیندلر، ایران‌شناس نامی عصر قاجار»، دریچه، س ۱۳، ۵۰ (زمستان ۱۳۹۷): ۱۷۳-۱۸۴.

